

تفسیر استدلالی قرآن کریم

آیات ۱ تا ۵۰ سوره انعام

نویسنده: دکتر سید مجتبی میردامادی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

رئیس: مؤسسه فرهنگی هنری حکیم میرداماد

ناشر: میراث فریختگان Miras Farhikhtegan Publications

۰۲۱۵۵۵۴۰۷۶۵ و ۰۹۱ ۸۵۱۹ ۱۸۵

ناشر فرنی: علی قنبریان (فیاض)

طراح: کرافیک سید علی میرحسینی

چاپ اول / شهریور ۱۳۹۹ / شمارهگان: ۵۰۰ نسخه

محل نشر: تهران / قطع: رقعی / قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک ۷۸۰۰۲۲-۷۳۷۷-۱۴-۹

ISBN: 978-622-7377-14-9



۰۹۱۲ ۸۵ ۱۹۹ ۸۵
WWW.MFARHIKHTEGAN.COM



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
کتابخانه ملی
۰۹۱۲ ۸۵ ۱۹۹ ۸۵
WWW.MFARHIKHTEGAN.COM

سرشناسه : میردامادی، سید مجتبی، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور : تفسیر استدلالی قرآن کریم: آیات ۱ تا ۵۰ سوره انعام / سید مجتبی میردامادی.

مشخصات نشر : تهران: میراث فرهنگی‌نگار، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری : ۲۲۴ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شاکی : 978-622-7377-14-9

۳۰۰۰۰ ریال

وضعیت فہمستازیسی : فیفا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۱۷] - ۲۲۴.

همچنین به صورت زیر نویسه

موضوع تفاسیر (سورہ انعام)

موضوع : تفاسیر شیعہ -- قرن ۱۴

موضوع :

Our task – Shiite hermeneutics -- 20th century

رده‌بندی کنگره : BP۱۰۲/۲۴

۲۹۷/۱۸ : رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی : ۷۳۰۶۵۷۰

پیش‌گفتار | ۱۱

- ۱۲ تعریف تفسیر استدلالی
- ۱۳ جایگاه وحی و عقل
- ۱۴ معیارهای سنجش تفسیر
- ۱۴ ۱. اندیشه و تفکر و تحلیل
- ۱۵ ۲. تطابق با اصول عقلایی و بناء حاکم بر زبان محاوره
- ۱۶ ۳. سازگاری و تناسب درونی مفاد متن
- ۱۸ ۴. سازگاری با روح کلی شریعت و مقاصد توحیدی
- ۱۹ ۵. سازگاری با نیازهای اساسی انسان

تفسیر سوره انعام | ۲۱

آیه ۱	 ۲۲
آیه ۲	 ۲۵
آیه ۳	 ۲۸
آیه ۴	 ۳۲
آیه ۵	 ۳۳
آیه ۶	 ۳۵
استدلال به سنت الهی	 ۳۶
۱- استتراج فدوی	 ۳۷
۲- استدراج ابن عباس	 ۳۸
آیه ۷	 ۴۰
آیه ۸	 ۴۱
آیه ۹	 ۴۲
آیه ۱۰	 ۴۴
استدلال به آیه در بحث فواصل قرآن	 ۴۵
آیه ۱۱	 ۴۷
سفر و نقش آن در اندیشه انسانی	 ۴۷
آیه ۱۲ و ۱۳	 ۵۰
آیه ۱۴	 ۵۴

آیه ۱۵.....	۵۷
آیه ۱۶.....	۵۹
بررسی صفت رحمت خداوند.....	۶۱
آیه ۱۷.....	۹۱
صفت ضارّ در قرآن.....	۹۳
آیات مربوط به صفت ضار در ارتباط با خداوند.....	۹۵
سرچشمه حرّما و آفت‌ها در زندگی انسان.....	۱۱۵
ناگواری همه و دوساری.....	۱۱۹
آیه ۱۸.....	۱۲۶
آیه ۱۹.....	۱۲۶
آیه ۲۰.....	۱۲۹
آیه ۲۱.....	۱۳۰
آیه ۲۲.....	۱۳۵
آیه ۲۳.....	۱۳۵
آیه ۲۴.....	۱۳۷
آیه ۲۵.....	۱۳۷
بحث کلامی.....	۱۴۰
آیه ۲۶.....	۱۴۱
آیه ۲۷.....	۱۴۳

۱۴۴.....	آرزو در قرآن.....
۱۴۷.....	شمارش آرزوها در قرآن کریم.....
۱۵۷.....	آیه ۲۸.....
۱۶۱.....	آیه ۲۹.....
۱۶۲.....	آیه ۳۰.....
۱۶۴.....	آیه ۳۱.....
۱۷۰.....	آیه ۳۲.....
۱۷۲.....	آیه ۳۳.....
۱۷۵.....	آیه ۳۴.....
۱۷۷.....	آیه ۳۵.....
۱۸۱.....	آیه ۳۶.....
۱۸۴.....	آیه ۳۷.....
۱۸۵.....	آیه ۳۸.....
۱۸۶.....	آیا حیوانات اختیار دارند؟.....
۱۸۸.....	آیه ۳۹.....
۱۹۰.....	آیه ۴۰.....
۱۹۴.....	آیه ۴۱.....
۱۹۸.....	آیه ۴۲.....
۱۹۹.....	آیه ۴۳.....

آیه ۴۴.....	۲۰۱
آیه ۴۵.....	۲۰۲
آیه ۴۶.....	۲۰۴
آیه ۴۷.....	۲۰۵
آیه ۴۸.....	۲۰۶
آیه ۴۹.....	۲۰۷
آیه ۵۰.....	۲۰۹
بحث فلسفه پیرامین اعتماد به ادراکات حسی و.....	۲۱۱

منابع و مأخذ کتاب | ۲۱۷

پیش‌گفتار

بی‌شک تفسیر قرآن کریم در علوم دینی از درجه اهمیتی افزون و برجسته برخوردار است و در معرفت‌آزائی سهم به‌سزایی دارد. تفاسیر شیعه امامیه از ویژگی بسیار مهم این مندی از روایات همه اهل بیت علیهم‌السلام به مصداق حدیث شریف ما یعرف القرآن من خوطب به^۱ که^۲ مفسر حقیقی قرآن هستند منتزاعی باشند. برداشت‌های صحیح از آیات و روایات مفسر منوط به دانش‌ها و آموزه‌های گوناگونی اعم از ادبیات عربی، علوم قرآن، حدیث، رجال و درایه و فقه و نیز منطق و علوم عقلی است تا به مصداق آیه

۱. کافی ج ۱/۳۱۱.

۲. قرآن را منحصرأ کسانی که مخاطب قرآن هستند می‌شناسند.

شریفه: «فَاجْعَلْ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ»^۱ تا شاید با نورانیت اهل بیت (علیهم السلام) اندیشه های مستعد و حق جوبه توحید خالص با ابعاد آگاهی بخش و عبرت آموز آن متمایل گردد. تفسیر استدلالی قرآن کوششی در این زمینه است.

گرایش های تفسیری به تفسیر مآثور یا روایی، عقلی و اجتهادی، عرفانی و ادبی قابل تقسیم هستند.

آرچه در این نوشتار مورد نظر است تفسیر عقلی و اجتهادی با بهره گیری از مآثور (روایت) است که به نام تفسیر استدلالی عرضه گردیده است.

تعریف تفسیر استدلالی

منظور از تفسیر استدلالی، تفسیری است که از نکات و استدلالات عقلی و اجتهادی در آن استفاده شده باشد. بدین نحو که اقوال مفسران همراه با جرح و تعدیل و نقد بررسی در آن آمده است.

در میان تفاسیر شیعه تفسیر مجمع البیان به دلیل حکایت اقوال شیعه و سنی فضای مناسبی را برای استدلال فراهم کرده است. البته در این تفسیر قول نهایی و نتیجه گیری، سهم جدی نمی شود. کتاب دیگر تفسیر المیزان است که سه مزیت بر تفسیر مجمع البیان دارد:

۱. ابراهیم: ۳۷.

۲. پس تودل هایی از مردم را به سوی آنها مایل گردان.

۱. این تفسیر در جرح و تعدیل و نقل اقوال و نقد و بررسی، اساساً نتیجه و قول حق را برمی‌گزیند که غالباً مطابق با نظر مشهور مفسران شیعه امامیه است.

۲. به دلیل تأخیر از تفاسیر گذشته مجمع اقوال و آراء است. لذا سعی ترن با این ویژگی افکار تفسیری را تا زمان معاصر مورد بررسی و پژوهش قرار داد.

۳. ال‌بیزان یک تفسیر استدلالی است مانند کتاب پراج مکاسب شیخ مظفر رحمته الله در فقه که کاملاً استدلالی است یا کتاب انیسق شرح لمعه سهیل ناز رحمته الله که استدلالی است؛ به خلاف کتاب گرانقدر لمعه که به دلیل انتصار نیمه استدلالی است و در اکثر موارد از ذکر ادله خودداری شده است، تفسیر مجمع البیان مانند المیزان مشحون از استدلال و پژوهش نیست.

جایگاه وحی و عقل

احیاناً ممکن است گفته شود که عقل در تراز با وحی به دلیل به دست دادن صحیح از سقیم و نقش ابزاری در اختیار وحی، مرتبه‌ای بالاتر از وحی در مراتب هستی دارد ولی به نظر ما این گونه نیست چرا که اولاً خداوند که خالق عقل و وحی است، وحی را ارتباط و اتصال به عالم غیب قرار داده در حالی که عقل مخلوقی این گونه‌ای نیست، لذا وحی مرتبه‌ای بالاتر از عقل غیر متصل به عالم غیب دارد. ثانیاً عقل ولو مصباح و هدایت‌گر به سوی وحی است ولی نمی‌تواند

موجب برتری عقل گردد، زیرا تجربه و شهود هم می‌تواند راهبر آدمی به وحی باشد درحالی که هیچ کس تقدم شهود و تجربه بر وحی را قائل نیست علاوه عقل جزئی که در زندگی ما وجود دارد و پرکاربرد است پر خطا و نسیان است ولی وحی مصون از آن‌هاست.

معیارهای سنجش تفسیر

۱. پشه و تفکر و تحلیل

اندیشه و تفکر در آدمی سبب خروج از تحیر و قوام حیات انسانی و امنی‌ترین ویژگی ذاتی انسان است. تفکر مبنای تعادل و عمیق‌ترین منبع شناخت و اثبات حق از باطل است. قوه عاقله در آدمی داور نهایی وجود او در پذیرش مبدأ و معاد و ضرورت دین‌ورزی اوست. قرآن در مقام ارشاد به همین موضوع اشاره کرده و می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ فِي الْأَلْبَابِ»^۱ لذا قیمت تفسیر قرآن مطابقت با عقل منطقی و براساس مسلم است و آنچه از قرآن تفسیر می‌شود اگر با عقل سلیم در تضاد و تناقض باشد پذیرفته شده نیست. مثلاً آیه شریفه «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»^۲ را باید به گونه‌ای تفسیر کرد که خداوند را از تجسید و ساخته و

۱. الزمر: ۱۷-۱۸.

۲. الشوری: ۱۱.

نمی‌توان به آیاتی مانند «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»^۱ یا «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»^۲ برای جسمیت خداوند استناد کرد و بی‌تردید مخالف با برهان عقلی و نقلی است لذا نمی‌شود به تفسیر ظاهری الفاظی مانند «استوی» عند، استوی و جاء و مانند آن اکتفا کرد؛ چراکه نمی‌توان از راجب الوجود را در مرتبه ممکنات نگریست.

۲. تطابق با اصول عقلایی و بناء حاکم بر زبان محاوره

اصول حاکم بر این مآخوره و توافق بین آن‌ها و تفهیم و تفاهم بین انسان‌ها براساس بقاء و توفیق و مناسبات و نیز قواعدی است که در میان ایشان جریان داده می‌توجهی بدین جهت، بی‌تردید هرگونه تفهیم و تفاهم و ارتباط اجتماعی را میان ایشان محدود می‌کند؛ لذا براساس همین شاخص در گزاره‌ها و آموزه‌های گوناگون تاریخی، دستوری و بیان احکام و استناداتی معمولی مطابق فهم بشر، نمی‌توان از ظواهر آیات و آنچه تفاهم بین انسان‌ها بشر است دست کشید و معانی پنهان و لایه‌های باطنی را دست‌سازد و هدف قرآن دانست. مثلاً نمی‌توان بیت و کعبه را بردل انسان، بهشت و جهنم را به جامعه بی‌طبقه و انقلاب، قطع دست سارق را به معنای از بین بردن زمینه‌ها و مجاری و اسباب سرقت معنا کرد و نیز جایی که اساساً مجاز و استعاره و تمثیل و تأویل است به غیر

١- الفتح: ١٠.

٢. طه: ٥.

تمثیل معنا کنیم و جایی را که تمثیل را بر نمی تابد به معنای مجازی و استعاره و تمثیل معنا کنیم. مثلاً آیه شریفه «وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^۱ را که تمثیل است یا آیه شریفه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَضَتْ غَرْلُهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا»^۲ را در قرآن به مفهوم غیر تمثیل منتسب دانست و بدین ترتیب در آیات مختلف که تمثیل از آن دریافت نمی شود صرفاً از نگاه تمثیل و استعاره معنا کنیم و نیز نمی توان آیه ی شریفه «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَغْوًى وَأَضَلُّ سَبِيلًا»^۳ را که نیازمند تأویل است تعمیم دهیم و نمی توانیم هم با قائل به تأویل باشیم و از ظاهر دست بکشیم؛ چرا که زبان قرآن را نه هدایت و راهنمایی و حقیقت است و نه لسان پیچیدگی و لغزین و تعقیدزایی و سخت گویی.

۳. سازگاری و تناسب درونی مفاد متن

ملاک اساسی دیگر در فهم متن، دربر رنجانی آن است که در میان متون گوناگون مرتبط به آن، نباید نادیده گرفته شود و تناقض باشد. بعد از تحقیق، در قرآن و روایات و مستندات و ترائی موجود در آیات دیگر با آیه مورد نظر هیچ گونه دوئیت و تفاوت نیست. پیوستگی فکری و منطقی جهت دار ضرورتاً وجود دارد. وحی که نشأت گرفته از آفریدگار

۱. العنکبوت: ۴۱.

۲. النحل: ۹۲.

۳. الإسراء: ۷۲.

است دارای مفاهیمی است که هیچ‌گاه با متون قطعی دیگر که آن‌ها نیز به طریقی از وحی ناشی گردیده تفاوت و تغایری ندارد: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^۱ یا آیه ۲۰، بقره: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانًى تَقْشَعِرُّ مِنْهُ»^۲.

حکمت قرآن وسیله‌ای برای تنظیم متشابهات است و متشابهات نیز به واسطه ریاضات توضیح داده می‌شود. بدین لحاظ که قرآن از یگانگی تناسب اجزا برخوردار است. با این حال اعتقاد و ایمان به آن یکی از این به همه اجزاء قرآن امری ضروری است اما تجزیه در این مسئله به تبعیت آن کفر نامیده می‌شود. «أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُؤْتَوْنَ إِلَيْهِ أَسْخَرٌ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»^۳ پس هرگز، برداشت‌های متعارض اتفاق افتاد به دلیل نقص در فهم و ضعف اندیشه است که قرآن را به رأی خود تفسیر می‌نمایند و به همین دلیل دیدگاه جامع‌تر برای مفسر ضروری است. او می‌تواند با بررسی دیدگاه‌ها و توبه به معیارها و انتخاب احسن الحدیث و نیز تعبد نسبت به مفاهیم عالی قرآن، تفسیری کم‌نقص و عیب‌ارائه دهد.

۱. النساء: ۸۲.

۲. الزمر: ۲۳.

۳. البقره: ۸۵.